

## بازخوانی یک طرح شهری با بهره‌گیری از انگاره حق به شهر -

### مجتمع تجاری عرش آجودانیه تهران

مریم محمدی\*، کیارش کاظمی\*\*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۸/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۸/۱۲

#### چکیده

در موارد متعددی طرح‌های شهری در شهرها، بدون توجه به خواست ساکنان و زمینه و صرفاً در جهت کسب سود بیشتر مدنظر قرار می‌گیرند. در این میان، در شهر تهران در مواردی ساخت‌وساز در جهت کسب سود تا آنجا پیش رفته که بسیاری از مجتمع‌های تجاری با تغییر کاربری فضای سبز به این کاربری احداث شده‌اند. در پژوهش پیش‌رو تلاش بر این است تا احداث مجتمع تجاری به‌جای پارک و زمین بازی در نمونه‌ای از محلات تهران (محلۀ آجودانیه) و شرایطی که برای ساکنان به وجود آمده را با بهره‌گیری از دیدگاه شهروندان و با توجه به انگاره حق به شهر، موردسنجش قرار دهد. این پژوهش با بهره‌گیری از روش تحلیل تماتیک قیاسی و تحلیل مصاحبه‌های عمیق (۱۸ مصاحبه) بر آن است تا دیدگاه ساکنان را از منظر حقوق تضییع شده آنها بررسی نماید. تم‌های اصلی که خواست ساکنان با تکیه بر انگاره حق به شهر دسته‌بندی شده‌اند، شامل حق به حرکت و دسترسی، حق به فضای عمومی، حق دسترسی به خدمات، حق دسترسی به فضای سبز، حق برخورداری از امنیت و حق مشارکت ساکنان در اداره امور محلۀ خود می‌شوند.

واژه‌های کلیدی: طرح‌های شهری، حق به شهر، مجتمع تجاری، محلۀ

\* دانشجویار طراحی شهری دانشگاه هنر، تهران، ایران. (نویسنده مسئول). m.mohammadi@art.ac.ir

\*\* کارشناس ارشد طراحی شهری پردیس هنرهای زیبای دانشگاه تهران، تهران، ایران.  
kazemi.kiarash@ut.ac.ir

## ۱- مقدمه

بسیاری از طرح‌های شهری در ایران با توجه کمتر به منفعت عمومی و خواست شهروندان، روندی نامطلوب را در تهیه و اجرای طرح‌های شهری پی نموده‌اند و از این رهگذر مشکلاتی را برای کاربران فضاها و ساکنان ایجاد نموده‌اند. رشد قارچ‌گونه مراکز تجاری در مکان‌های مختلف در شهرهای بزرگ را می‌توان به‌عنوان نمودی از این نگاه در نظر گرفت که در نتیجه توجه به خواست طبقه سرمایه‌دار و در جهت به‌دست آوردن سود بیشتر است. قدرت سرمایه‌داری تا آنجا در شکل‌دهی به شهر، حتی در مقیاس خرد پیش رفته که برخی از مراکز تجاری در مقیاس محلات و با کنار گذاشتن نیازهای اساسی یک محله مطلوب و خواست ساکنان، با تغییر کاربری فضاهای سبز و یا اختصاص دادن بخشی از فضای سبز به کاربری‌ها فرا محله‌ای احداث و رضایتمندی ساکنان از محله را تحت‌الشعاع قرار داده‌اند. برای مثال در نمونه موردی این پژوهش، ساخت مجتمع عرش آجودانیه به‌عنوان یک طرح شهری در بخشی از پارک و زمین فوتبال محلی احداث شده است. این مجموعه تجاری، بدون توجه به خواست ساکنین و نیز اصول طراحی شهری مرسوم، در کنار ایجاد مشکلات فراوان در مقیاس محلی، سؤال مهمی را در ذهن ایجاد نموده و آن این است که فرآیند شکل‌دهی به فضا باید تا چه حد باید خواست استفاده‌کنندگان از فضا را نیز مدنظر قرار دهد و چه حقوقی را برای آنها در نظر بگیرد؟

در این پژوهش، از انگاره «حق به شهر» برای بررسی این موضوع استفاده شده است. انتخاب این انگاره در بررسی این طرح شهری از آن جهت اهمیت دارد که مشخص می‌نماید که نظر استفاده‌کنندگان از فضا تا چه اندازه با طرحی دستوری، از بالا به پایین و بدون توجه به خواست استفاده‌کنندگان از فضای شهری زاویه دارد. با توجه به مشاهدات و گفتگوهای اولیه، مشخص شد که احداث این مجتمع تجاری برای ساکنان محله آجودانیه مشکلات متعددی را ایجاد نموده: از جمله افزایش پارک حاشیه‌ای و در نتیجه ترافیک شدید در محله. علاوه بر آن، مجتمع در محدوده پارک و بر روش بخشی از زمین فوتبال احداث شده و از همین رو احداث آن منجر به از میان رفتن پاتوق افراد محلی و تفریح رایگان آنها شده است. ضمن آنکه برخی از افراد از حضور در مجتمع تجاری منع شده‌اند. بنابراین به نظر می‌رسد، احداث مجتمع برای برخی از ساکنان نه تنها فضای شهری جدیدی ایجاد نکرده، بلکه با خصوصی کردن فضای عمومی، فضای محلی فعال که پیش از احداث مجتمع، ساکنان از آن استفاده می‌کردند را تحت‌الشعاع قرار داده است. با توجه به شرحی

که از مسئله بیان شد، این پژوهش بر آن است تا با کاربست انگاره حق به شهر، به بررسی دیدگاه ساکنان محله نسبت به احداث این مجتمع بپردازد و واکاوی نماید تحت تأثیر این تغییر، چه حقوقی از ساکنان محلی که بر فضای محلی و محله‌شان دارند سلب شده یا در آنها محدودیت به وجود آمده است.

### ۱-۱- مروری بر پیشینه پژوهش

پژوهش‌های متعددی در ارتباط با دیدگاه حق به شهر در ایران و سایر کشورها انجام شده است. تقوایی و همکاران (۱۳۹۴)، برزگر و حبیبی (۱۳۹۹) به بررسی ارتباط میان دیدگاه حق به شهر و فضای شهری می‌پردازند. ایران دوست و دوستوندی (۱۳۹۴) و شریفی و همکاران (۱۳۹۸) به بررسی انگاره حق به شهر در سکونتگاه‌های خودانگیخته پرداخته‌اند. ایران دوست و دوستوندی (۱۳۹۴) چالش حق به شهر در سکونتگاه‌های غیررسمی در سراسر ایران را بررسی نموده‌اند. شریفی و همکاران (۱۳۹۸) وضعیت حق به شهر را در یک مکان مشخص (سکونتگاه نایسر) با مطالعه کتابخانه‌ای، روش میدانی و نیز با تکیه بر پرسشنامه و مطالعه کمی بررسی نموده‌اند. اشتیاقی و شارع پور با تأکید بر تقویت نهادهای مدنی و با تحلیل تماتیک دیدگاه متخصصان، مفهوم حق به شهر را در سیاست‌گذاری شهری بررسی کرده‌اند. بالزینی و شلی (۲۰۱۶) به بررسی دیدگاه‌های متفاوت ساکنان یک محله به ساخت یک فضای تفریحی در محله پرداخته‌اند. آنها با تأکید بر حق به شهر و اعیان‌سازی به صورت هم‌زمان، دیدگاه‌های متفاوت ساکنان قدیمی و جدید محله و تفاوت دیدگاه‌های آنها را بررسی نموده‌اند. همچنین دوسن (۲۰۰۲)، با توجهی ویژه به اعیان‌سازی، به ارتباط تولید فضا و حق به شهر در یک میدان شهری پرداخته است. او فرآیندهای شکل‌دهنده میدان در طول مدت‌زمان معین را شرح داده است. کویمولو (۲۰۱۳) به پدیده‌های مشابه با پژوهش پیش روی یعنی ساخت مجتمع تجاری بر روی پارک اشاره نموده است. وی به بررسی حق به شهر و اعتراضات شهروندان ترک به ساخت مجتمع تجاری بر روی پارک تاریخی گزی<sup>۱</sup> در شهر استانبول پرداخته است. در ادامه لازم است تا مشخص شود، نوآوری پژوهش چیست. بررسی دو پژوهش بسیار نزدیک با این پژوهش در حوزه انتخاب رویکرد و روش نشان می‌دهد، پژوهش بالزینی و شلی و پژوهش شریفی و همکاران از حیث رویکرد

---

1. Gezi

و یا روش مشابه این پژوهش هستند. اما پژوهش پیش رو با تکیه بر تحلیل تماتیک قیاسی خلاً موجود در پژوهش بالزینی و شلی را مدنظر قرار داده است. همچنین، اگرچه شریفی و همکاران نیز از تحلیل تماتیک قیاسی با تکیه بر انگاره حق به شهر پرداخته‌اند، اما تمرکز آنان بر استخراج آراء متخصصان است و نمونه مورد مطالعه آنها نیز برخلاف پژوهش پیش‌رو، سکونتگاه‌های خودانگیخته است. بنابراین این پژوهش بر آن است تا با تکیه بر روش منتخب، به بررسی تأثیر احداث یک مجتمع تجاری از دید ساکنان محله بپردازد. از این رو که این روند، متأسفانه در شرف تبدیل شدن به روالی معمول در محلات است، نتایج آن می‌تواند نشان دهد که چگونه ساخت فضاهای این‌چنینی ناشی از اقتصاد فضا، مطلوبیت فضا و حقوق اولیه ساکنان را دست‌خوش تغییر می‌کند.

## ۲- مبانی نظری

### ۲-۱- انواع برنامه‌ریزی شهری از منظر حق به شهر

بر اساس نگاه لوفور (۱۹۹۶) سه نوع برنامه‌ریزی را می‌توان شناسایی نمود.

۱) برنامه‌ریزی افراد با حسن نیت (معماران و نویسندگان). تفکر و پروژه‌های این گروه از برنامه‌ریزان مبتنی بر یک فلسفه قاطع است. معمولاً خود را به انسان‌گرایی آزاد نسبت داده و به‌میزان قابل‌توجهی، حس نوستالژیک دارند. توجه به مقیاس انسانی نیز مدنظر آنها است. ایدئولوژی آنها اغلب از مدل‌های روستایی نشأت می‌گیرد. در بهترین حالت این سنت به فرمالیسم (اقتباس از مدل‌ها بدون توجه به محتوا) و نوعی زیبایی‌شناسی اقتباس شده از مدل‌های کهن است، شباهت دارد (Lefebvre, 1996: 83).

۲) برنامه‌ریزی این دسته از برنامه‌ریزان، به بخش عمومی (نهاد) مرتبط است. این گروه خود را علمی و تکنوکرات می‌پندارند. بعضاً بر یک علم تکیه می‌کنند و برخی موارد بر پژوهش‌های بین‌رشته‌ای تکیه دارند. این نوع از علم‌گرایی، که با الگوهای عقل‌گرایانه عملی همراه می‌شود، به عامل انسانی بی‌توجه است (Ibid). در این نوع از برنامه‌ریزی، بعضاً تکنیک غلبه کرده و تکنیک‌های منتج از علوم (علمی که از تحلیلی ناقصی از واقعیت مفروض نشأت گرفته)، اطلاعات و ارتباطات را به‌صورت مدل، بهینه می‌کنند. این نوع از برنامه‌ریزی تکنوکراتیک و سیستماتیک، از زمین برای بازگشایی مسیرها برای اتومبیل‌ها استفاده می‌کند (Lefebvre, 1996: 83-84). این برنامه‌ریزی به پیاده‌ها و ادراک شهر از

دید انسان توجهی نداشته و در پی حل مشکل بدون توجه به ساکنان شهرها است و توجهی به علوم اجتماعی ندارد (Lefebvre, 1996: 84).

۳) برنامه‌ریزی توسعه‌گران. این گروه از برنامه‌ریزان، بی‌پرده در راستای بازار و با تفکری سودجویانه شهر را برنامه‌ریزی می‌کنند. آنها، به‌صورت مستقیم ساختمان نمی‌فروشند، اما با برنامه‌ریزی در مقیاس شهری، سبکی خاص از زندگی را ترویج می‌دهند. تأکید آنها بر ارزش مبادله است و این افراد برای افزایش ارزش مبادله سبکی نو و خاص از زندگی را تشویق می‌کنند (Ibid). در برنامه‌ریزی توسعه‌گران، دو موضوع مطرح است. یکی تبلیغات برای ایجاد نیازهای بعضاً کاذب، و دیگری ساختن مطابق نظر خریداران سرمایه‌دار که به آن توسعه مشاور املاکی<sup>۱</sup> گفته می‌شود. برنامه‌ریزی توسعه‌گران، شهر، هم مصرف و هم، مکان مصرف می‌گردد.

بحثی که در اینجا مطرح می‌شود، این است که در فرآیند برنامه‌ریزی و طراحی فضای شهری، نقش برنامه‌ریز شهر چیست؟ طراحی بدون در نظر گرفتن پیاده‌ها و صرفاً با توجه به نقشه؟ و یا طراحی بر اساس خواست توسعه‌گران؟ به نظر می‌رسد، این موارد، در از بین رفتن فضای شهری مؤثر بوده است. از نگاه حق به شهر، برنامه‌ریز شهر باید خواسته ساکنان یک محله و یا یک شهر را ملاک عمل برنامه‌ریزی خود قرار دهند. به نظر می‌رسد، امروزه برنامه‌ریزی توسعه‌گران، بیشترین نقش را در شکل‌دهی به فضاهای شهری داشته است. بیشتر مالکین زمین و سرمایه‌داران هستند که تصمیم می‌گیرند که فضاهای شهری بر اساس حق مالکیت چگونه شکل بگیرد. این عمل گروه‌های متعدد دیگری را از حق خود در مشارکت در فرآیند برنامه‌ریزی شهر و محله محروم و فضاهای شهری با منطق ارزش مبادله‌ای شکل می‌گیرد (Smith, 1982, 1996; Van Deusen, 2002: 150).

فضای عمومی در مقام تجلی عموم (فرهنگی، سیاسی، و غیره) نقش بازی می‌کند و بنابراین دارای ارزش استفاده است، اگرچه بازار جهت افزایش ارزش مبادله‌ای و برای بیرون راندن ارزش استفاده بر آن فشار وارد می‌کند (Harvey, 1999; Lefebvre, 1991 [1974]: 67-68; Madanipour, 1996: 218; Van Deusen, 2002: 150). با توجه به اهمیت ارزش مبادله‌ای، شهر جهت رواج مصرف‌گرایی مصرف می‌شود. در این میان از آنجاکه توان پرداخت هزینه مصرف‌گرایی را قشر ثروتمند جامعه دارند، شهر مطابق میل ثروتمندان به

مصرف در می‌آید. این مصرف گاه همان‌طور که پیش‌تر عنوان شد به‌صورت توسعه‌ی بنگاه‌محور و گاه به‌صورت مجتمع‌های تجاری لوکس درمی‌آید. در نتیجه کم‌کم اقشار متوسط و تهیدست از مراکز با اهمیت شهر به حاشیه رانده می‌شوند. این رانده شدن با خصوصی شدن فضای عمومی همراه می‌شود، مجتمع‌های تجاری بزرگ و جوامع دروازه‌ای و بسته<sup>۱</sup> شکل می‌گیرند.

در این حالت، برنامه‌ریز به ابزار دست توسعه‌گران درمی‌آید و مطابق سلیقه ثروتمندان و نظر توسعه‌گران طراحی می‌شود. در این بین، برنامه‌ریزانی که در نهادهای دولتی کار می‌کنند، نیز در رویه طراحی علمی و بر اساس نقشه‌ها و ضوابط خشک غرق می‌شوند. در این بین برنامه‌ریزان تلاش‌هایی در جهت خروج از این دو رویه و یا متعادل کردن آنها انجام می‌دهند اما این تلاش‌ها صرفاً ظاهری هستند. برای مثال، برنامه‌ریزان شهری به‌طور فزاینده‌ای بیشتر بر زمینه‌گرایی تکیه و یا به زیبایی‌شناسی به‌عنوان درمان‌های سطحی توجه می‌کنند تا زمینه اجتماعی محیط (Van, 1996; Madanipour, 1999; Ellin, 1999; Deusen, 2002: 150). در واقع شهرسازان با حسن نیت مترصد هستند تا از الگوی طراحانه و برنامه‌ریزانه جامعه سرمایه‌داری دور شوند، اما تنها به فرم توجه داشته و به محتوا توجهی ندارند. این امر همان فرمالیسم بدون محتوایی است، که در آن طراحان در پی یافتن فضاهای شهری گذشته هستند، اما مسیر را اشتباه رفته‌اند.

در این میان شهرسازان، همواره از دو گروه معماران و جغرافی‌دانان تأثیر پذیرفته‌اند. معماران اغلب به کالبد فضا و جغرافی‌دانان اغلب به کاربری فضا توجه دارند. نقش شهرسازان ارتباط بین کالبد و فعالیت باشد. تنوع تعاریف فرم شهر، عمدتاً ناشی از این واقعیت است که بافت شهری اثری است هم فیزیکی و هم اجتماعی (Madanipour, 1996). اما بحث اینجاست که شهرسازان چگونه کالبد، فعالیت و معنا را در عمل پیوند می‌دهند؟

به نظر می‌رسد توجه به نظرات ساکنین و مشارکت آنها در فرآیند طراحی و برنامه‌ریزی امری لازم است. در صورت وجود جامعه‌ای فعال، مسیر ثبت نظرات مردم را هموار بوده، اما در صورت عدم وجود چنین جامعه‌ای، شهرساز باید به میان ساکنان رفته و نظرات آنان را جویا شود.

---

1. gated communities

## ۲-۲- بازشناسی معیارهای حق به شهر

ریشه در اندیشه‌های هانری لوفور (۱۹۶۸) دارد. میشل (۲۰۰۳) نیز با تکیه بر همین انگاره، بر اهمیت فضای شهری و نیز تأثیر قوانین بر فرآیند تحقق حق به شهر اشاره می‌کند. هاروی (۲۰۰۸ و ۲۰۱۲) حق به شهر را نوعی اختیار در شکل دادن بر فرآیند شکل‌دهی شهرها می‌نگرد و با تشریح چرخه‌های سرمایه، بر نقش سود در شکل‌دهی شهرها تأکید می‌کند. هاروی (۲۰۱۴) همچنین با نگارش کتاب «هفده تناقض و پایان سرمایه‌داری»، تناقض‌های نظام سرمایه‌داری را برمی‌شمارد و راه پیروزی بر آن را در تناقض‌های آن می‌داند. پورسل (۲۰۰۲ و ۲۰۱۴) در آثار خود به تشریح دیدگاه‌های لوفور می‌پردازد و اصولی عام از نوشته‌های وی استخراج می‌کند. مارکوزه (۲۰۰۹) با دسته‌بندی اقتصادی و نیز فرهنگی از شهروندان به موضوع حق به شهر برای چه کسانی و چه حقوقی می‌پردازد و زمانی جامعه انتقادی را برندهٔ مقابله با نظام سرمایه‌داری می‌بیند که کار برای سود از میان رفته باشد.

علاوه بر مواردی که عنوان شد، نوشته‌های بسیار دیگری چه در ادبیات نظری خارجی (Attoh, 2011; Balzarini & Shlay, 2016; Butler, 2012; Diaz-Parra & Jover, 2020; Fernandes, 2007; Friendly, 2013; Iveson, 2013; Kitchin, Cardullo, & Di Feliciano, 2019; Mayer, 2009; Middleton, 2018; Shaw & Graham, 2013; Shields, 1999; Tayebi, 2013) و داخلی (اطهاری، ۱۳۹۳؛ پیران، ۱۳۹۴؛ حبیبی و امیری، ۱۳۹۴؛ رفیعیان و الوندی‌پور، ۱۳۹۴؛ کاظمی و تفنگچی، ۱۳۹۶) ابعاد گوناگون انگاره «حق به شهر» مورد توجه قرار گرفته است. همچنین در منشورهای بین‌المللی (UN-HABITAT., 2010; UNESCO., 2006) و شهری (City of Mexico City, ) (2010; City of Montreal, 2006) به مجموعه‌ای از حقوق در قالب «حق به شهر» اشاره شده است.

«حق به شهر» قدرت شکل‌دهی به فضا را متعلق به استفاده‌کنندگان و نه سرمایه می‌داند. بنابراین استفاده از انگاره «حق به شهر»، موجب کاهش از خودبیگانگی شهروندان شده و تعلق شهروندان را به شهر افزایش می‌دهد. لوفور معتقد است: «حق به شهر نوعی شعار و درخواست... و گونهٔ تغییر یافته حق به زندگی شهری است» (Lefebvre, 1996: 102; Purcell, 2002: 158). حق شهر یعنی حق در قبال شهر، حق در قبال تفاوت و حق زندگی مدنی. در واقع حق شهر حقی دوسویه است؛ بدان معنا که ما بر شهر حقی داریم و شهر نیز بر ما حقی دارد. حق در قبال تفاوت، به معنای پذیرش دیگری است (حبیبی،

۱۳۹۱). امروزه حق به شهر به یک صورت‌بندی اصلی خواست‌های پیش‌رو برای تغییر اجتماعی در تمام جهان تبدیل شده است (سعیدی رضوانی، ۱۳۹۱: ۹۰). بنابراین، حق شهر از نظر لوفور به معنای حق زندگی در جامعه‌ای است که در آن همه افراد به‌طور مشابه آزادند تا خواسته‌های خود را برآورده کنند و در آن از همه در انجام آن حمایت شود (Marcuse, 2010: 87). در ادامه برخی مهم‌ترین معیارهای حق به شهر در غالب دوگانه‌هایی که به مشخص‌تر شدن ابعاد معیار منجر می‌شود، طرح می‌گردد.

## ۲-۲-۱- دوگانه خودگردانی / قدرت متمرکز

با توجه به تناقضاتی که در سیستم سرمایه‌داری وجود دارد و نیز شکل‌گیری روابط اجتماعی بر پایه روابط پولی و شکل‌گیری شهرها بر اساس ارزش مبادله‌ای و نه خواست ساکنین شهر، تلاش‌هایی جهت یافتن سیستمی نو و یا تلاش در راه رسیدن به آن، آغاز شد. در این میان، لوفور از پروژه خودگردانی<sup>۱</sup> دفاع می‌کند و معتقد است تمامی نهادهای اجتماعی (اعم از سرمایه‌داری، دولت‌های مدرن، احزاب سیاسی، مدیریت شهری و منطقه‌ای و زندگی روزانه مردم) از این طریق به‌طور ناخودآگاه مردمی (دموکرات) می‌شوند (Brenner, 2001: 795). سایمون (۲۰۰۵) در ادامه بحث، خودگردانی لوفور، به‌روشنی بر اهمیت خودگردانی محیط تأکید کرده و این محصول خودگردانی را از محصول نهادهای دولتی موفق‌تر می‌داند. در واقع لوفور خودگردانی را راهی جهت جلوگیری از قدرت متمرکز یک نهاد دولتی و نیز قدرت سرمایه‌داری، پیشنهاد می‌کند.

خودگردانی در زمینه دولت به این معنی است که مردم تصمیم‌های جمعی را خودشان مدیریت کنند؛ به‌جای آنکه اطرافیان در قالب کادر دولتی، جای آن‌ها تصمیم بگیرند (Lefebvre, 2003 [1990]: 187-188; Purcell, 2014: 147). سر باز می‌زند، خودگردانی در حال وقوع است (Lefebvre, 2009: 135; Purcell, 2014: 147-148). همین‌طور که خودگردانی توسعه می‌یابد و در جامعه تعمیم می‌یابد، مردم به‌طور فزاینده‌ای به قدرت خود پی می‌برند. در نتیجه مؤسسات کنترل‌کننده نظیر شرکت‌ها و دولت، احساس (قدرت) کمتری می‌کنند و شروع به از بین رفتن می‌کنند (Lefebvre, 2009, p. 147; Purcell, 2014: 148). در واقع لوفور در تلاش است تا با خودگردانی ساکنین را در اداره امور شهر خود از حالت منفعل بیرون آورده و فعال سازد. در ایران، درخواست برای خودگردانی در



مقابل اعمال خواست یک‌سویه دولتی به‌خصوص در محله‌های فقیرنشین و غیررسمی وجود دارد و شکل‌گیری تشکلهای غیررسمی که در پی یافتن طرح‌های شهری توسط ساکنان محلات هستند، نیز نمود خودگردانی است (حبیبی و امیری، ۱۳۹۴).

### ۲-۲-۲- دوگانه از خودبیگانگی / حس تعلق

لوفور حق به شهر را مبارزه با «از خودبیگانگی»<sup>۱</sup> فضای شهری جهت یگانه کردن آن به‌سوی ارتباطات اجتماعی درهم‌تنیده می‌بیند. او این «از خودبیگانگی» را از دید تصاحب<sup>۲</sup> بیان می‌کند (Purcell, 2014: 149). این بدان معناست که اگر عده‌اندکی (سرمایه‌داران) فضاهای شهری را بر اساس حق مالکیت شکل دهند، مردم این فضاها را از آن خود نمی‌پندارند و نوعی «از خودبیگانگی» در آنها پدید می‌آید. به عبارت دیگر، اگر مردم در فرآیند طراحی محیط شهری پیرامون خود نقش مؤثر داشته باشند، خود را صاحب فضا می‌دانند و اگر فضا را تصاحب کنند (خود را صاحب فضا بدانند)، این از خودبیگانگی از بین می‌رود. بنابراین می‌توان غرق شدن در روزمرگی را یکی از عوامل عدم توجه به شهر و فضاهای شهری و در نتیجه عدم دخالت شهروندان در شکل‌گیری آن‌ها و در نتیجه از خودبیگانگی شهروندان دانست.

### ۲-۲-۳- دوگانه شهروند فعال / شهروند منفعل ذیل معیار مشارکت

یکی دیگر از نکات قابل تأمل انگاره «حق به شهر»، «مشارکت»<sup>۳</sup> است. برای احقاق حق به شهر در شهرها باید خواست‌های گوناگون ادعا شده در هر محل را بررسی کرد (Pierce et.al, 2016). لوفور اهمیت مشارکت را این‌گونه برمی‌شمرد: «موضوع اساسی دیگر مشارکت است که به یکپارچگی مرتبط است، این یک موضوع ساده نیست. در عمل ایده مشارکت این امکان را به ما می‌دهد که رضایت مردم مشتاق و نگران را با بهایی اندک به دست آوریم» (Lefebvre, 1996: 145).

جهت دستیابی به فضای مطلوب در شهر، فضای ذهنی ساکنان و پنداشته برنامه‌ریزان و طراحان شهری باید با یکدیگر هم‌آوایی داشته باشد. هرچه این هماهنگی و هم‌صدایی

---

1. de-alienation  
2. appropriation  
3. participation

بیشتر باشد، فضای تولیدشده مطلوبیت بیشتری برای استفاده‌کنندگان از فضا به وجود می‌آورد. برای ایجاد فضایی مطلوب به‌جای تمرکز به فضا باید بر فرآیند تولید فضا متمرکز شد. مشارکت به‌تنهایی کافی نیست، چراکه مردم پس از مشارکت در یک پروژه دوباره به حالت منفعل خود درمی‌آیند. بنابراین، مشارکت هنگامی می‌تواند تداوم داشته باشد که با خودگردانی همراه شود. مشارکت به این معناست که ساکنان به‌طور فزاینده‌ای جهت‌مدیریت تولید فضاهای شهری به‌دست خودشان گرد هم آیند. به هر میزان، ساکنان فعال‌تر شوند و جهت‌مدیریت شهرها توسط خودشان گرد هم آیند، به‌طور مؤثری شهر و تولید فضای آن را تصاحب می‌کنند. در این حالت، آنها در حال به کنترل درآوردن شرایط زندگی خودشان هستند و شهر را بار دیگر از آن خود می‌کنند (Purcell, 2014: 150). حق به شهر در واقع ابزار لازم برای ایجاد تغییرات و خلق شهری است به‌دست شهروندان و نه شهروندان است (رفیعیان و الوندی پور، ۱۳۹۴).

#### ۲-۲-۴- دوگانه یکپارچگی / چندپارگی

اصل دیگر از اصول حق به شهر اصل «یکپارچگی»<sup>۱</sup> است. این اصل مخالف ایجاد جوامع بسته و گتوها<sup>۲</sup> است، که موجب ایجاد عدم یکپارچگی میان فضاهای شهری می‌شوند (Purcell, 2014). لوفور ([۱۹۷۴] ۱۹۹۱) گسست فضا را این‌گونه بیان می‌کند: «فضاها غریبه گشته‌اند: هژمونی شده، عقلانی شده و همچنین تحمیل‌شده‌اند... مرزهای رسمی میان شهر و روستا، مرکز و پیرامون، میان حومه و مراکز شهری، میان غلبه اتومبیل و غلبه مردم از میان‌رفته است. هم‌چنین میان خشنودی و ناخشنودی نیز همین اتفاق رقم خورده و اکنون همه‌چیز (تسهیلات عمومی، بلوک‌های آپارتمان‌ها، محیط‌های زندگی) جدا شده و در مدهای ایزوله شده به مکان‌ها و محدوده‌های غیرمتصل بدل شده است. فضاها درست به‌گونه‌ای که کارها برای کارگران به بخش اجتماعی و تکنیکی تقسیم شده‌اند، تخصصی شده‌اند» (Lefebvre, 1991 [1974]: 97-98). مجتمع‌های تجاری که مالکیت خصوصی دارند و قشر خاصی از جامعه را به درون خود راه می‌دهند، برهم‌زننده یکپارچگی هستند. این جدایی‌گزینی که موجب چندپاره شدن شهر می‌شود از دو نظر قابل بررسی است. از یک‌سو، بسیاری از مجتمع‌های تجاری در ایران به‌صورت مستقیم از ورود افراد کمتر

---

1. integration  
2. ghetto

برخوردار جلوگیری می‌کنند و از سوی دیگر بسیاری از افراد کمتر برخوردار با توجه به ظاهر متفاوت خود به برخی از مجتمع‌های تجاری وارد نمی‌شود. در مقیاس بزرگ‌تر با افزایش قیمت زمین در مقیاس محله، این جدایی‌گزینی می‌تواند در قالب محلات خود را به نمایش گذارد مانند جوامع دروازه‌دار.

## ۲-۵- دوگانه ارزش مبادله (با پشتوانه مالکیت) / ارزش استفاده

ارزش مبادله‌ای، فضاهای شهر را بدون توجه به خواست شهروندان و استفاده‌کنندگان فضا شکل می‌دهد. این موجب منفعل شدن ساکنان شهر و افزایش احساس از خودبیگانگی نسبت به شهر شده است. «حق به شهر» قدرت را به استفاده‌کنندگان از فضا بازمی‌گرداند و آنها را در اداره و شکل‌دهی به شهر خود تصمیم‌گیرنده می‌داند. با تغییر قدرت تصمیم‌گیری از سرمایه‌داران و ارزش مبادله به استفاده‌کنندگان و ارزش استفاده، حس از خودبیگانگی ساکنان شهر از بین می‌رود. استفاده از اصول مستخرج از انگاره «حق به شهر» موجب افزایش ارتباط ساکنان با فضای شهر خود شده و ساکنان را به ارتقای فضای شهر خود تحریک می‌کند. لوفور (۱۹۹۶) در انگاره حق به شهر، ارزش استفاده را بر ارزش مبادله ارجح می‌داند و از این نظر در مقابل دیدگاه نئولیبرال قرار می‌گیرد که به پشتوانه قانون مالکیت ارزش مبادله و کسب سود را بر ارزش استفاده ارجح می‌داند. همچنین هاروی (۲۰۱۴) بیان می‌کند که لازم است «تأمین مستقیم ارزش‌های مصرفی کافی برای همگان (مسکن، آموزش، امنیت غذایی و نظایر این‌ها) بر فراهم‌سازی آنها از طریق نظام بازار محور برتری داشته باشد. طریقه بازار محور بر بیشینه کردن سود که ارزش‌های مبادله‌ای را در دست افراد خصوصی کم‌شماری متمرکز می‌سازد، استوار است» (Harvey, 2014: 294). در نمودار پیش‌رو دوگانه‌های طرح‌شده در الگوهای برنامه‌ریزی مبتنی بر حق به شهر و الگوی مقابل آن ارائه شده است.



شکل ۱- معیارهای برنامه‌ریزی در الگوی برنامه‌ریزی مبتنی بر حق به شهر و الگوی سرمایه‌داری

### ۳- روش‌شناسی پژوهش

در این بخش پس از تبیین انواع الگوهای برنامه‌ریزی و معیارهای مترتب بر آنها، نمونه‌ای از طرح‌های شهری در مقیاس محلات از منظر ساکنان مورد بررسی قرار می‌گیرد تا مشخص شود در الگوی برنامه‌ریزی مدنظر در این طرح، چه تم‌هایی ذیل انگاره حق به شهر از ساکنان سلب شده است. به این منظور در این پژوهش، از تحلیل تماتیک قیاسی استفاده شده است. تحلیل تماتیک یک روش برای تحلیل داده‌های کیفی و یکی از خوشه روش‌هایی است که بر شناسایی الگوی معنایی در یک مجموعه داده تمرکز دارد (قاسمی و هاشمی، ۱۳۹۸). هدف تحلیل تماتیک، شناسایی تم‌ها، یعنی الگوها در داده‌های مهم یا جالب‌توجه پژوهشگر است و از این تم‌ها برای پاسخ به سؤالات پژوهش‌گر استفاده می‌کند (Maguira & Delahunt, 2017: 3353). براون و کلارک (۲۰۰۶: ۷۷) میان دو سطح «معنایی» و پنهان تم‌ها تمایز قائل شده‌اند و از نگاه آنان در تم‌های معنایی «تحلیل‌گر از درون معنی صریح یا سطحی به دنبال چیزی بیش از آنچه توسط مشارکت‌کننده گفته یا نوشته شده نیست» (Braun & Clarke, 2006: 77). در این پژوهش، در گام اول واحدهای معنایی شناخته شده‌اند و سپس با تحلیل واحدهای معنایی، پس از تعیین کد اولیه، تم‌های

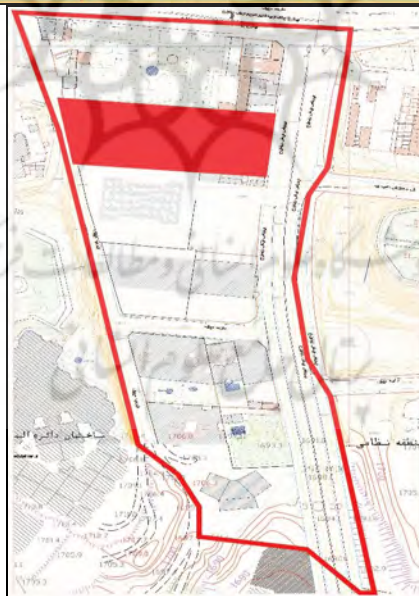
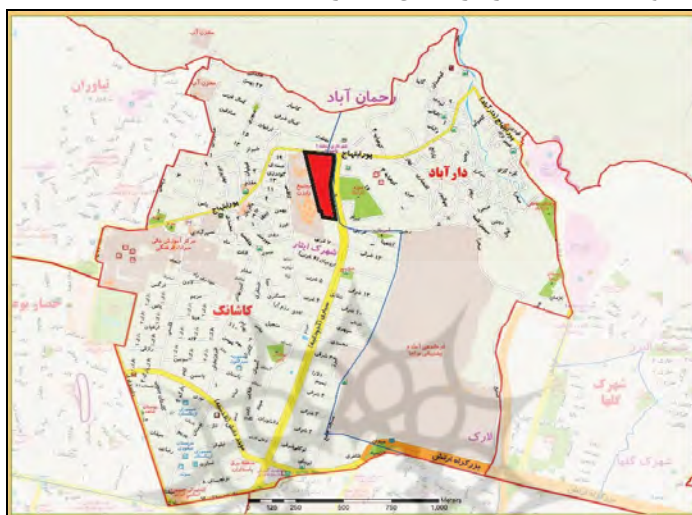
پنهان در قالب تم‌های فرعی و اصلی شناسایی شده است. بنابراین، با توجه به مطالعه انجام شده در ارتباط با حق به شهر، تم‌ها از درون داده‌های به‌دست‌آمده حاصل از مصاحبه‌ها، استخراج شده‌اند.

براون و کلارک (۲۰۰۶: ۸۰) تحلیل‌ها را به دو دسته تحلیل بالا به پایین یا تحلیل تماتیک قیاسی که با پرسش‌های خاصی مطرح می‌شوند و تحلیل پایین به بالا یا استقرایی که پژوهش بر اساس داده‌های خود هدایت می‌شود، تمایز قائل شده‌اند. در این پژوهش، تحلیل بیشتر از بالا به پایین صورت گرفته و بنابراین قیاسی است. داده‌ها، با تکنیک مصاحبه عمیق با ساکنان محله، جمع‌آوری و ضبط و نگارش شده است. پرسش پایه مصاحبه در این پژوهش، به این شرح است: محله شما چه ویژگی‌هایی دارد؟ پرسش فوق با پرسش‌های جزئی‌تری نظیر «مشکلات محله از نگاه شما چیست؟»، «ویژگی‌های مثبت و منفی مجتمع عرش آجودانیه و تأثیر آن بر محل زندگی خود را چگونه ارزیابی می‌کنید»، «ویژگی‌های مثبت محله خود را چه می‌دانید؟» کامل شده است. مصاحبه‌شوندگان، با پیشنهاد ساکنان جدید و قدیم محله (گلوله برفی) انتخاب شده‌اند. اولین مصاحبه با توجه به آشنایی پژوهشگران با برخی از ساکنان محله، به صورت مستقیم توسط پژوهشگران انتخاب شده و افراد بعدی به ترتیب توسط مصاحبه‌شوندگان پیشین معرفی شده‌اند. مدت‌زمان مصاحبه‌ها، با توجه به عمق مصاحبه و میزان تعامل با مشارکت‌کنندگان، متغیر و به‌طور میانگین ۳۵ دقیقه بوده است. با لحاظ کردن متغیر جنسیت، به‌طور برابر با زنان و مردان، مصاحبه شده است. حجم نمونه در این پژوهش ۱۸ مصاحبه بوده که به دلیل اشباع نظری، این تعداد در نظر گرفته شده است. جهت تأیید اعتبار تحلیل صورت گرفته، پس از انجام عمل کدگذاری از افراد مصاحبه‌شونده نتایج تحلیل در اختیار ۳ نفر از افراد مصاحبه‌شونده قرار گرفت تا میزان همخوانی میان تفاسیر و تجارب افراد مصاحبه‌شونده بررسی شود.

#### ۴- معرفی اجمالی نمونه موردی

مجتمع تجاری تفریحی عرش آجودانیه در منطقه یک تهران واقع شده که شامل ۸ طبقه (۳ طبقه پارکینگ، ۱ طبقه زیرزمین هایپرمارکت و ۴ طبقه تجاری) و ۴۶۴ پارکینگ، رستوران، تالار پذیرایی، هایپر، شهربازی است. این مجتمع از سال ۱۳۸۹ ه.ش. تا ۱۳۹۴ ه.ش. بر روی زمین خالی و نیز بخشی از پارک و زمین بازی فوتبال در شمال محله آجودانیه در زمینی به مساحت ۴۵۰۰ مترمربع با زیربنای ۴۰۰۰۰ مترمربع ساخته شد. این

محلّه از پورابتهاج (موزه دارآباد) شروع و تا اقدسیه ادامه دارد. این محلّه در شرق نیاوران و صاحبقرانیه و جنوب شرقی کاشانک واقع است. خیابان آجودانیه (شهید سبّاری) به دلیل واقع شدن در دامنه رشته کوه البرز دارای شیب زیادی است به طوری که ارتفاع این خیابان از ۱۵۵۰ متر در جنوب تا ۱۷۲۵ متر در شمال متغیر است (URL).



شکل ۲ و ۳ - موقعیت حوزه نفوذ مجتمع تجاری عرش آجودانیه در ناحیه ۵ منطقه ۱ تهران (بالا) / مجتمع تجاری عرش آجودانیه و حوزه نفوذ آن (پایین)

بازخوانی یک طرح شهری با بهره‌گیری از...، محمدی و کاظمی | ۱۰۳

مالک زمین مجتمع شهرداری تهران است و این زمین در نقشه پهنه پیشنهادی طرح جامع (۱۳۸۶) در پهنه G111 (پارک شهری) و R122 (مسکونی با حداقل اندازه قطعه ۳۰۰ مترمربع) ساخته شد. با ساخته شدن این مجتمع در محله آجودانیه، مقیاس محله کاملاً تغییر یافت. قرارگیری مجتمع در محله موجب مراجعه گسترده از سراسر محله آجودانیه و نیز محله‌های اطراف به مجتمع عرش آجودانیه شد.



شکل ۴- تصویری از مجموعه احداث شده (تصویر بالا)، تغییرات محدوده در سال‌های ۲۰۰۰، ۲۰۰۸ و ۲۰۲۰ (تصویر پایین)

## ۵- یافته‌های پژوهش

در این بخش، گزارش کتبی یافته‌های پژوهش به صورت جدول واحدهای معنایی، کدهای اولیه و تم‌های فرعی و اصلی شامل بیان روایی یافته‌های پژوهش همراه با نقل قول‌هایی که از مشارکت‌کنندگان، ارائه شده است. محدوده سنی افرادی که با آنان مصاحبه شد بین ۲۵ تا ۷۳ سال بوده است. با تحلیل داده‌ها، ۵۴ واحد معنا، ۲۱ مفهوم، ۱۵ تم فرعی و ۶ تم اصلی استخراج شد. در ادامه بر پایه تم‌های اصلی و ویژگی‌های محله با توجه ویژه به مجموعه تجاری عرش آجودانیه و حوزه پیرامون آن شرح داده می‌شود. سپس مقوله‌های فرعی و اصلی تشریح می‌شود. در ادامه تم‌های شناسایی شده در قالب رویکرد حق به شهر، به صورت مشخص مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرند.

جدول ۱- شناسایی کدهای اولیه، تم فرعی و اصلی

تم اصلی	تم فرعی	کدهای اولیه	واحدهای معنا
حق به حرکت و دسترسی	پارک حاشیه‌ای	پارک حاشیه‌ای	همه ماشین‌ها وسط خیابان پارک کردن، پر از پارک ماشین شده، نمی‌صرفه ماشین رو ببریم پارکینگ
		ترافیک سنگین	راه بدون شدید، قفل میشه اینجا، قبلاً پشت ترافیک نمی‌موندم
	فقدان حمل‌ونقل همگانی	فقدان حمل‌ونقل همگانی	این وسط اصلن تاکسی نیامد، همشون پرن، باید یا اول خط سوارشی یا آخر خط
حق دسترسی به فضای عمومی	از بین رفتن مکان‌ها و خصوصی شدن فضا	تغییر کاربری	اینجا قبلاً زمین فوتبال بود، قبلاً اینجا فوتبال بازی می‌کردن، از پارک بازی رو می‌دیدیم
		تغییر ناگهانی	یهو اومدن مجتمع رو ساختن، اصن یکباره از اینرو به اون رو شد
		تبدیل فضای عمومی به خصوصی	قبلاً مال همه بود، الان یجوری شده
	گره شاخص محلی	نشانه	از پارک شطرنج بالاتر که بری، همون کوچه پارک شطرنج
فضای جمعی		قبلاً فقط رستوران باروژ بود، با خانوما پارک شطرنج قرار می‌داشتیم، الان میریم عرش دیگه، تفریحمون شبا جلو موزه بود	



بازخوانی یک طرح شهری با بهره‌گیری از...، محمدی و کاظمی | ۱۰۵

تم اصلی	تم فرعی	کدهای اولیه	واحدهای معنا
	وجود فضای بلااستفاده	وجود فضای بلااستفاده	اون پادگان بی خود رو یکاری اش بکنن، پادگان اون پشت همینجوری افتاده
حق دسترسی به خدمات	دسترسی به مرکز خرید	دسترسی فیزیکی به مرکز خرید	این محل یه فروشگاه درست حسابی نداشت، الان خرید راحت شده، مرکز خرید نداشتیم
		خدمات برای قشر خاص (عدم همه‌شمولی)	کی میتونه از اینجا خرید کنه، قیمتش نسبتاً بالاست
	دسترسی به مرکز ورزشی	عدم دسترسی فیزیکی به مرکز ورزشی	حیف اون زمین فوتبال، الان دورتر یه زمین فوتبال سرپوشیده زدن
		خدمات ورزشی برای قشر خاص	یه زمین تنیس داره اونم برای پولداراس، به جیب ما نمیخوره
	دسترسی به مرکز آموزشی	عدم دسترسی به مرکز آموزشی	این محل یه مدرسه درست حسابی نداره، بچه هامون همه میرن کاشونک مدرسه، بعد عرش رو زدن.
	دسترسی به مرکز تفریحی	دسترسی مناسب به مرکز تفریحی	خوب جایی زدن، میایم می‌گردیم، قبلاً حوصلمون سر می‌رفت باید تا تجریش می‌رفتیم، عصرها که دلم میگیره میام اینجا
حق به فضای سبز و مسائل زیست‌محیطی	فقدان و کمبود فضای سبز	نابودی فضای سبز	اون درختا و چمنارو کندن، پارک رو نصف کردن
		کمبود فضای سبز	این محل کلاً دو تا پارک داره، تا پارک نیاوران بیاد بریم، پارک نداره اصلاً
حق برخورداری از امنیت	عدم وجود امنیت در شب	عدم وجود امنیت در شب	شبا اینجا پرنده پر نمیزنه، از عرش تا خونه تا کسی نباشه می‌دوم یه تیکه‌هایی رو، شبا پیاده جرئت نمی‌کنم برگردم.
	عدم وجود امنیت به دلیل	عدم وجود امنیت به دلیل	آدم فک میکنه یکی از این زمینا میاد بیرون، پر زمینای بی در و پیکره

واحد‌های معنا	کدهای اولیه	تم فرعی	تم اصلی
	عدم وجود فعالیت و وجود زمین‌های خالی	عدم وجود فعالیت و وجود زمین‌های خالی	
ببینید چه وضعیه، اینا نفع خودشونو میبینن، از ما می‌پرسیدن می‌گفتیم نه	بی‌توجهی به خواست ساکنان	بی‌توجهی به خواست ساکنان	حق مشارکت
چه‌جوری تونستن پارک رو خراب کنن! با چه مجوزی! خودشون تصمیم می‌گیرن!؟	رانتی بودن مدیریت شهری و بی‌اطلاعی مردم از جزئیات	رانتی بودن مدیریت شهری و بی‌اطلاعی مردم از جزئیات	ساکنان در اداره امور محله خود

#### ۵-۱- حق به حرکت و دسترسی

با بررسی مصاحبه‌های صورت گرفته، تکرار و تأکید ساکنان محله بر سه تم «پارک حاشیه‌ای»، «ترافیک سنگین» و «حمل‌ونقل همگانی» مشخص شد. باوجود پارک حاشیه‌ای فراوان به‌ویژه در اطراف مرکز تجاری عرش آجودانیه باوجود پارکینگ زیرزمینی این مجموعه و نیز ترافیک سنگینی که این مجموعه در تقاطع خیابان آجودانیه قدیم و نیز خیابان پورابتهاج ایجاد کرده است، دوتم به‌دست‌آمده از مصاحبه‌های ساکنان است. مورد دیگر، عدم وجود حمل‌ونقل همگانی مناسب برای ساکنین است. ساکنان ملزم به سوارشدن در ایستگاه‌های تاکسی هستند که تعداد این ایستگاه‌ها یکی در کنار مجتمع عرش آجودانیه و دیگری میدان نوبنیاد است. سه تم یادشده نشان‌دهنده «حق به دسترسی» ساکنان به نقاط مختلف محله خود و نیز به محلات و مراکز شهر است. بنابراین به نظر می‌رسد ذیل حق به دسترسی بتوان سه تم اشاره‌شده را بیان نمود. هجوم گسترده اتومبیل از سراسر منطقه به محدوده نفوذ مجتمع تجاری عرش، به‌نوعی منجر به تصاحب فضا به‌دست افراد غیر محلی و مراجعه‌کنندگان به مجتمع شده و فضایی که زمانی محل عبور افراد پیاده بود، امروز به محل پارک خودروی افراد غیربومی بدل شده است. این امر موجب کاهش حس تعلق ساکنان محله و حس ازخودبیگانگی در آنها شده است.

### ۵-۲- حق به دسترسی به فضای عمومی

با مرور مصاحبه‌های و کدها، سه مقوله «از بین رفتن مکان‌ها و خصوصی شدن فضا»، «گره شاخص محلی» و «وجود فضای بلااستفاده» استخراج شد. ساکنان محله به‌طور کلی بر خصوصی شدن و نیز درونی شدن فعالیت‌ها اشاره نموده‌اند. علاوه بر آن، ساکنان در میان مصاحبه‌ها به تغییر کاربری از زمین فوتبال به مجتمع تجاری و نیز تغییر ناگهانی اشاره کرده‌اند. موضوع دیگر، وجود پادگان بلااستفاده در محله است. این سه تم بیانگر نیاز به دسترسی به فضای عمومی و در نتیجه بیانگر «حق به دسترسی به فضای عمومی» هستند. ساخت مجتمع تجاری خصوصی عرش بر روی زمین فوتبالی که دسترسی به آن توسط تمامی شهروندان آزاد بوده، موجب شده که مردم فضا را از آن خود ندانند. این امر می‌تواند موجب بروز حس ازخودبیگانگی و کاهش حس تعلق به محله شود. از میان رفتن زمین فوتبال عمومی و ساخت مجتمع جاری، همچنین غلبه ارزش مبادله بر ارزش استفاده را یادآور می‌شود.

### ۵-۳- حق به دسترسی به خدمات

بررسی‌ها نشان داد، چهارتم «دسترسی به مرکز خرید»، «دسترسی به مرکز آموزشی»، «دسترسی به مرکز ورزشی» و نیز «دسترسی به مرکز تفریحی» در ارتباط با نیاز به دسترسی به خدمات به‌عنوان تم اصلی حاصل شده است. با مرور مصاحبه‌ها، لزوم ایجاد مرکز تجاری مناسب در محله پیش از ساختن عرش آجودانیه احساس شد؛ اما مجتمعی که قیمت کالاهای آن مناسب حال اکثر ساکنان محله باشد. نکته دیگر از میان رفتن زمین فوتبال و نیز ایجاد زمین‌های سرپوشیده در نقطه‌ای دورتر است که بیشتر از آنکه برای ساکنان محله آجودانیه ساخته شده باشد، مناسب حال ساکنان محله کاشانک است. از طرفی کمبود فضای ورزشی باوجود فضاهای ورزشی برای اقشار خاص جامعه نظیر زمین تنیس در شمال محله جبران نمی‌شود. موضوع دیگر، کمبود مدرسه و مرکز آموزشی در محله است. بنا بر گفته ساکنان، تنها مدرسه نزدیک در محله کاشانک قرار دارد. اگرچه ایجاد فضای تفریحی در غالب فضای مرکز تجاری به‌عنوان فضایی برای تفریح از جمله مواردی است که ساکنان از آن احساس رضایت دارند؛ اما از بین بردن زمین فوتبال به‌عنوان یک مرکز ورزشی رایگان و احداث مجتمع تجاری-تفریحی که برای تفریح باید پول پرداخت کرد، موجب از میان رفتن پیوستگی در سطح محله شده است. بخشی از محله در قالب مجتمع تجاری لوکس در اختیار قشر خاصی قرار گرفته و این امر موجب چندپاره شدن محله شده است.

#### ۵-۴- حق به فضای سبز

با مرور مصاحبه‌ها و بررسی مفاهیم حاصل از آن، تم فرعی «فقدان و کمبود فضای سبز» استخراج شد که این مورد به‌تنهایی بیانگر نیاز دسترسی به فضای سبز و در نتیجه بیانگر «حق به دسترسی به فضای سبز» به‌عنوان تم اصلی است. مردم در مصاحبه‌های خود به کمبود فضای سبز مناسب و فعال ناراضی و به دور بودن پارک مناسب اشاره کرده‌اند. این امر منجر به کم شدن حس تعلق ساکنان به محله و بروز حس از خودبیگانگی در آنها شده است.

#### ۵-۵- حق به برخورداری از امنیت

به عدم وجود امنیت در شب در خیابان آجودانیه قدیم به دلیل عدم وجود فعالیت و نیز وجود زمین‌های بلااستفاده و در نتیجه عدم حضور افراد توسط مصاحبه‌شوندگان بیان شده است. دو تم فرعی «عدم وجود امنیت در شب» و نیز «عدم وجود امنیت به دلیل وجود زمین‌های خالی» نشان از نیاز به امنیت در قالب «حق به برخورداری از امنیت» دارد. عدم توجه به بحث امنیت، به‌طور غیرمستقیم به بحث غلبه ارزش مبادله بر ارزش استفاده تأکید دارد. چراکه افزایش امنیت در سطح محله سودآور نخواهد بود اما ساخت مجتمع تجاری سودآور است. از سوی دیگر این امر همچنین به‌طور غیرمستقیم به عدم توجه به خواست شهروندان (چه فعال و چه غیرفعال) و مشارکت با آنها به‌منظور فهم خواسته‌هایشان است. مجتمع عرش آجودانیه به‌صورت درون‌گرا ساخته شده و ارتباط درون به بیرون که تضمین‌کننده امنیت باشد در آن مشاهده نمی‌شود. این امر به‌ویژه در ضلع شمالی مجموعه که هیچ ورودی از پارک برای مجتمع در نظر گرفته نشده نیز قابل مشاهده است. علاوه بر این، مجتمع تجاری در این سطح در جذب افراد غیر محلی به محله آجودانیه تأثیر داشته است. به نظر می‌رسد این موارد دلایل عدم افزایش امنیت محله پس از احداث مجتمع عرش آجودانیه از نگاه ساکنان و عدم اشاره آنها به افزایش امنیت باشند.

#### ۵-۶- حق به مشارکت ساکنان در اداره امور محله خود

ساکنان، مجتمع عرش را از خودشان نمی‌دانند و از بی‌توجهی شهرداری به خواست آنها و نیز ساخت این مجتمع بر اساس نفع شهرداری ناراضی هستند. این مفاهیم در قالب دو تم فرعی «بی‌توجهی به خواست ساکنان» و نیز «رانتی بودن مدیریت شهری» قرار گرفته و این دو تم نیز بیانگر نیاز به مشارکت در امور محله، در قالب تم اصلی «حق به مشارکت

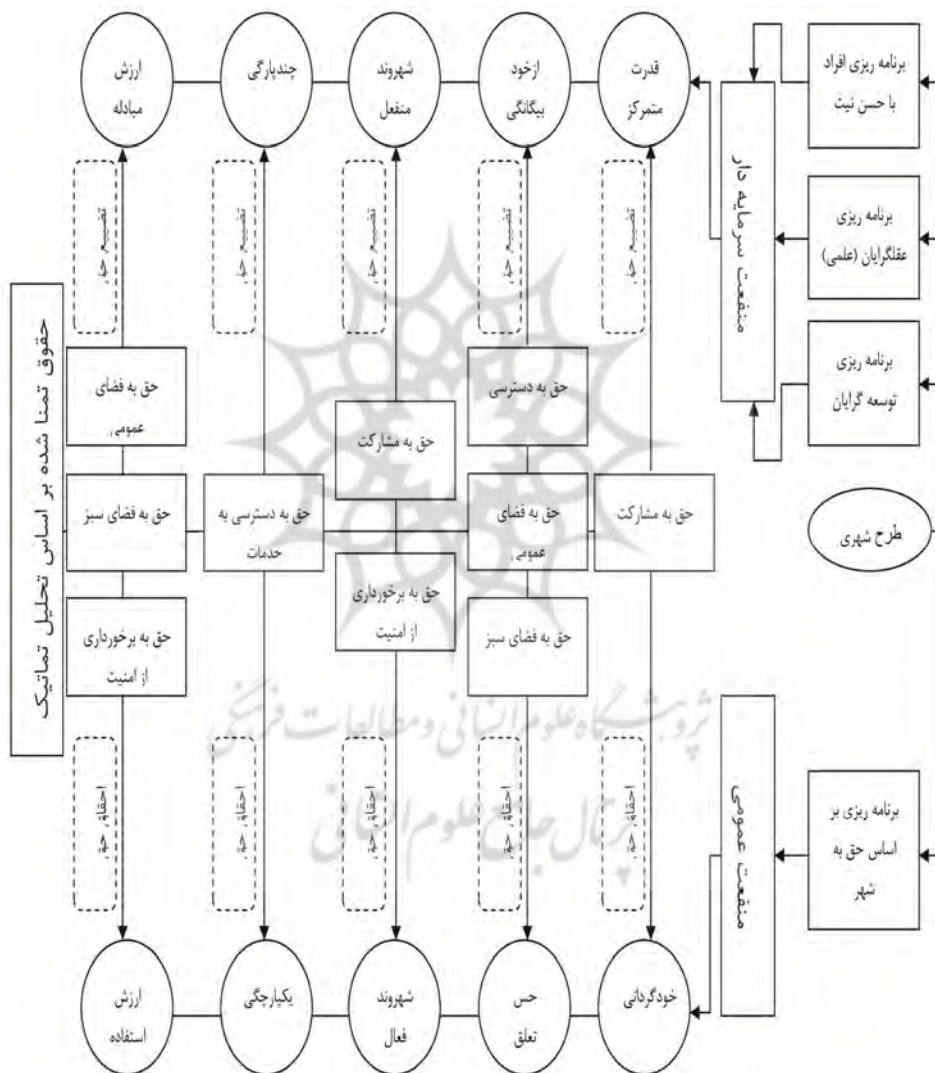
ساکنان در اداره امور محله خود» است. عدم توجه به خودگردانی توسط ساکنان و تصمیم‌گیری توسط قدرت متمرکز در طرح ساخت مجتمع تجاری کاملاً مشهود است. همچنین عدم توجه به صدای ساکنانی که خواستار مشارکت هستند و نیز عدم طراحی فرآیندی جهت تشویق به مشارکت افراد غیرفعال نیز انجام نشده است.

به‌طورکلی با بررسی انجام‌شده مشخص گردید که نمونه مجتمع تجاری عرش آجودانیه، نمونه‌ای از ساخت بر اساس روابط سرمایه‌داری و همچنین برتری ارزش مبادله بر ارزش استفاده در شهر است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که مجتمع عرش نه تنها مشکلی از مشکلات محله آجودانیه حل نکرده، بلکه مشکلات جدیدی را نیز ایجاد کرده است. نکته‌ای که در مورد ساخت این مجتمع قابل تأمل است، عدم اعتراض قاطع ساکنان در هنگام شروع به ساخت آن است. با توجه به رواج طراحی فضاهای شهری که کمتر به خواست شهروندان توجه دارند، به نظر می‌رسد ساکنان حالتی منفعل به خود گرفته و در تعیین سرنوشت محله و شهر خود تلاش نمی‌کنند. در چنین وضعیتی می‌توان با انگاره «مشارکت» در مقیاس خرد به شیوه‌های گوناگون خواست ساکنان را دریافت و با اعمال آن در پروژه‌های طراحی شهری، حس تعلق آنان را به شهر افزایش داد. با ادامه روند فوق و با فهم تأثیرگذاری نظرشان، آنها به مشارکت تشویق می‌شوند و در نهایت به‌نوعی شهر را از آن خود می‌نمایند. به‌طور حتم در این میان تصمیم‌گیران و قوانین موجود نیز باید به سمتی پیش بروند که خواست شهروندان را بر سودجویی ناشی از روابط سرمایه‌داری برتر بدانند.

## ۶- بحث

بر اساس آنچه از مبانی نظری و همچنین یافته‌ها به‌دست آمد، می‌توان گفت انواع مختلف برنامه‌ریزی شهری یعنی برنامه‌ریزی افراد با حسن نیت، برنامه‌ریزی عقل‌گرایان (علمی) و برنامه‌ریزی توسعه‌گرایان هر یک در تهیه طرح‌های شهری نقش دارند. هر گونه برنامه‌ریزی با مجموعه دوگانه‌هایی در فرآیند و محصول خود مواجه است که یک سمت آن منفعت سرمایه‌دار و سمت دیگر آن منفعت عمومی قرار دارد. منفعت سرمایه‌دار و منفعت عمومی در این پژوهش بر اساس مبانی نظری و تأیید آن در نمونه موردی، می‌تواند در قالب حداقل پنج دوگانه طرح گردد، که هر یک از این دوگانه‌ها در صورتی که در جهت منفعت عمومی حرکت کند، منجر به احقاق لایه‌هایی از حق به شهر می‌شوند. همان‌طور که در تصویر زیر به‌عنوان مدل مشخص است، دوگانه قدرت متمرکز و خودگردانی در تحقق حق به مشارکت دخیل

هستند. دوگانه از خودبیگانگی و حس تعلق در احقاق حق به دسترسی، حق به فضای عمومی و حق به فضای سبز مؤثر هستند. دوگانه شهروند منفعل و شهروند فعال در احقاق حق به مشارکت و حق به برخورداری از امنیت تأثیر دارند. دوگانه چندپارگی و یکپارچگی در احقاق حق به دسترسی به خدمات و فعالیت‌ها و دوگانه ارزش مبادله و ارزش استفاده، در احقاق حق به فضای عمومی، حق به فضای سبز و حق به برخورداری از امنیت مؤثر هستند.



شکل ۵- نقشه تماتیک تأثیر طرح شهری بر حقوق ساکنان مبتنی بر انگاره حق به شهر

## ۷- نتیجه‌گیری

در این پژوهش با توجه به انگاره حق به شهر، طرح احداث یک مجتمع تجاری در یک محله با استفاده از روش تحلیل تماتیک قیاسی مورد بازخوانی قرار گرفت و برنامه‌ریزی در سطح محله را در قالب ابعادی دیالکتیکی مورد بررسی قرار دارد. به نظر می‌رسد هدف برنامه‌ریزی شهری در هر طرح شهری در مقیاس محله، باید تحقق این حقوق از طریق ارجحیت‌دهی به منفعت عمومی باشد. حق به مشارکت، حق به دسترسی، حق به فضای عمومی، حق به دسترسی به خدمات و فعالیت‌ها، حق به فضای سبز و حق به برخورداری از امنیت هرکدام در صورتی محقق می‌شوند که یک یا چند معیار از وجوه منفعت عمومی شامل: خودگردانی، حس تعلق، شهروند فعال، یکپارچگی و همچنین ارزش استفاده، در مقابل وجه دیگر دوگانه‌ها بروز و نمود یابد. قابل ذکر است که تعمیم مدل به‌دست آمده با محدودیت‌هایی نیز مواجه است، چرا که پژوهش پیش‌رو تنها به بررسی یک نمونه موردی پرداخته، بدون شک بررسی نمونه‌های بیشتر می‌توانست پژوهش را در به‌دست آوردن مدلی دقیق‌تر یاری رساند. در این بخش در ابتدا برخی از پیشنهادهای قابل توجه در رابطه با نمونه موردی ارائه می‌شود و سپس توصیه‌هایی کلی در راستای تحقق منفعت عمومی و ارزش استفاده بیان می‌گردد. با توجه به موارد عنوان شده در ارتباط با روند مسئله‌یابی، طراحی و اجرای طرح‌های شهری، برای طراحی فرآیند برنامه‌ریزی و اجرای طرح‌های شهری، تشکیل و نظارت گروهی فعال از ساکنان محله به‌عنوان بخش جدایی‌ناپذیر پروژه در تمامی مراحل از طراحی/برنامه تا اجرا لازم است. این نظارت نباید صرفاً به‌صورت منفعلانه باشد، بلکه باید بر پایه‌ی خواست ساکنان شکل گیرد. در ارتباط با مجتمع تجاری عرش آجودانیه، با توجه به موارد استخراج شده از مصاحبه با ساکنان، جداسازی ترددهای محلی از ترددهای عمومی و منع ورود خودرو افراد غیر ساکن به بخش‌های مسکونی، افزایش ارتباط مجتمع با محیط پیرامون خود با تعریف دسترسی‌های نو در ضلع شمالی منتهی به پارک و نیز ایجاد ورودی مستقیم برای قطعات موجود در لبه‌ی مجتمع به بیرون از مجتمع جهت افزایش امنیت، تغییر طراحی داخلی مجتمع و ایجاد پاتوق‌هایی در فضای بسته مجتمع و دادن دسترسی آزاد به تمامی شهروندان جهت ورود به آن، تشکیل گروهی متشکل از فعالان محله (نه شورایی که ممکن است در دست افراد متدین یا مشاوران املاک باشد) جهت نظرخواهی دوره‌ای از ساکنان جهت اعمال نظر در مورد تغییرات محله و پیشنهاد تغییرات موردنیاز آنها از جمله مواردی است که جهت تحقق خواست ساکنان محله آجودانیه پیشنهاد می‌شود.

به نظر می‌رسد برای تحقق معیارهای منفعت عمومی و نه نفع سرمایه‌دار، توصیه‌های زیر راهگشا باشد؛ هرچند باید به این نکته توجه داشت که ایجاد تغییرات اساسی متأثر از نگاه کلان‌مدیریتی به مسائل شهری است و بدون تغییر این نگاه و نظام حاکم سیاسی-اقتصادی بسیاری از ایده‌ها و توصیه‌ها به ثمر نخواهد نشست.

- کاربست نظریه‌های مشارکتی جهت قرارگرفتن شهروندان در بطن تصمیم‌گیری. لازم به ذکر است که مهم مشارکت در معنای تام آن باید مدنظر باشد و نه صرفاً در مقام نظرخواهی. یکی از مصادیق مشارکت شهروندان در طرح‌ها نمایش طرح اولیه و شنیدن ایده‌ها است. در واقع به نمایش گذاشتن طرح‌های شهری به صورت عمومی و ایجاد نهادی برای رسیدگی به شکایات شهروندان (نهادی که قدرت آن از شهرداری نیز بالاتر باشد) می‌تواند در گام اولیه به تحقق مشارکت شهروندان کمک نماید. در عین حال مشارکت باید تمامی گروه‌ها را در برگیرد و حذف گروه‌های خاموش یا به حاشیه رانده شده قطعاً مفهوم اصیل مشارکت را خدشه‌دار کرده و به صورت اسمی، به این مفهوم نزدیک می‌شود.

- گذر از استفاده‌کنندگان منفعل به فعال: افزایش آگاهی و آموزش شهروندان با شیوه‌های مختلف می‌تواند در این گذار مؤثر باشد، هرچند بدون شک نگاه دولت و شهرسازان به جایگاه مردم و نقش‌آفرینی آنها قطعاً بر نوع کاربران فعال یا منفعل مؤثر است. - اولویت دادن ارجحیت ارزش استفاده بر ارزش مبادله: همان‌طور که در دوگانه‌های مورد تأکید در دیدگاه حق به شهر گفته شد، ارزش استفاده یعنی توجه به منفعت عمومی و عدم کالایی‌سازی شهر. یکی از عواملی که در چنین رویکردی مدنظر است اهمیت نیاز کاربران فضا و نه ایجاد فرهنگ مصرف است. در این میان چنین فضا‌هایی، قطعاً منعی چه عینی و ذهنی برای حضور کاربران در فضا ایجاد نمی‌کنند و بستری برای فعالیتی غیر از خرید را برای آنها فراهم می‌کنند.

- کاربرشناسی یا مخاطب‌شناسی: بدون شک هدف اصلی که باید شهرساز دنبال کند، تهیه طرح برای و با مردم است. لذا در این میان شناسایی تمامی کاربران فضا از اولویت اساسی برخوردار است تا در روند برنامه‌ریزی، استفاده‌کنندگان فعلی فضا از فضا رانده یا حذف نشوند.

- فهم امنیت به عنوان نیازی اصیل: از میان سطوح پنج‌گانه نیازهای عمومی که مورد نظر اندیشمندان است، نیاز به امنیت یک نیاز اساسی است. فضا یا محله‌ای که برای ساکنان و با شناخت از نیازهای آنها شکل یا تغییر یابد، محله‌ای مناسب و امن خواهد بود. مفهوم



احساس امنیت که بسیار بسیط و گسترده است و خوانش متفاوتی از آن به‌عنوان یک حس ادراکی در مقابل ترس وجود دارد، باید در طرح‌ها و در نسبت با ادراک افراد مختلف از آن موردتوجه قرار گیرد.

- فهم ضرورت حس تعلق به فضا: یکی از کیفیت‌های مهمی که همواره در طراحی شهری بر آن تأکید شده است، حس تعلق به فضا بوده که خود بستر مناسبی برای درگیر شدن با فضا، اهمیت دادن به فضا و مشارکت در امور مربوط به فضا است. در این میان مدیریت ثانویه فضا که می‌تواند مبتنی بر مدل‌های مردم محور باشد نیز بهتر عمل می‌کند. بنابراین چنانچه از طریق تمامی موارد طرح‌شده در بالا، طرح تهیه و اجرا شود، حس از آن فضا بودن در افراد تقویت شده و از این رهگذر فضا نگهداری و مدیریت می‌شود.



## منابع

- اطهری، کمال. (۱۳۹۳)، *شهروندی یا شهربندی: درآمدی بر مفهوم حق بر شهر*، نشست «تکرار زیرگذر عابرپیاده چهارراه ولی‌عصر»، مجمع حق بر شهر باهمستان، تهران: ایران.
- ایراندوست، کیومرث و دوستوندی، میلاد. (۱۳۹۴)، «حق به شهر و سکونتگاه‌های فقیرنشین با تأکید بر سکونتگاه‌های خودانگیخته در ایران»، هفت شهر، *ویژه‌نامه «حق مشخص به شهر مشخص»*، شماره ۴۹ و ۵۰: ۱۸۴-۲۰۵.
- بزرگر، سپیده و حبیبی، میترا (۱۳۹۹)، «کاوش ضریب‌نگ زندگی روزانه در ساماندهی مصرف فضای شهری (مورد پژوهی: پیاده راه شهر رشت)»، دانش شهرسازی، دوره ۴، شماره ۱: ۴۹-۷۴.
- پیران، پرویز. (۱۳۹۴)، «سخن آغازین: حق مشخص به شهر مشخص»، *هفت شهر، ویژه‌نامه «حق مشخص به شهر مشخص»*، شماره ۴۹ و ۵۰: ۸-۵۱.
- تقوایی، علی‌اکبر؛ عزیزی، داود؛ یزدانیان، احمد. (۱۳۹۴)، «بررسی نقش نظریه حق به شهر در تولید و بازتولید فضای شهری»، *هفت شهر، ویژه‌نامه «حق مشخص به شهر مشخص»*، شماره ۴۹ و ۵۰: ۸۸-۹۹.
- رفیعیان، مجتبی و الوندی پور، نینا. (۱۳۹۴)، «مفهوم‌پردازی اندیشه حق به شهر؛ در جست‌وجوی مدلی مفهومی»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره ۱۶، شماره ۲: ۲۵-۴۷.
- حبیبی، سید محسن. (۱۳۹۱)، *میزگرد: نظریات هانری لوفور درباره شهر و شهرنشینی*، پردیس هنرهای زیبا.
- حبیبی، سید محسن و امیری، مریم. (۱۳۹۴)، «حق به شهر؛ شهر موجود و شهر مطلوب آنچه هست و آنچه باید باشد»، *مجله پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران*، دوره ۵، شماره ۲: ۹-۳۰.
- سعیدی رضوانی، هادی. (۱۳۹۱)، تبیین مفهوم و شاخص شهر عدالت‌محور؛ نمونه ارزیابی شهر تهران، *رساله دکتری رشته شهرسازی*، دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران.
- شریفی، امیر؛ کوزه‌گر کالجی، لطفعلی؛ فنی، زهره و ایراندوست، کیومرث. (۱۳۹۸)، «حق به شهر در سکونتگاه‌های خودانگیخته مطالعه موردی: شهر سنندج، ناحیه منفصل شهری نایسر»، *فصلنامه شهر پایدار*، دوره ۳، شماره ۱: ۵۵-۶۹.
- قاسمی، یار محمد؛ هاشمی، علی. (۱۳۹۸)، «انجام پژوهش به روش تحلیل تماتیک: راهنمای عملی و گام‌به‌گام برای یادگیری و آموزش (مورد مطالعه: مصرف موسیقی دانشجویان کارشناسی ارشد دانشگاه ایلام)»، *فصلنامه علمی فرهنگ ایلام*، دوره ۲۰، شماره ۶۴ و ۶۵: ۷-۳۳.
- کاظمی، کیارش و تفنگچی مهبیاری، میلاد. (۱۳۹۶)، جهانی‌شدن و تأثیر آن بر حق به شهر، *مدیریت شهری و روستایی*، دوره ۱۶، شماره ۴۶: ۶۰-۷۱.

- Attoh, Kaufi. Abolde. (2011). "What kind of right is the right to the city?" *Progress in human geography*, 35(5), 669-685 .
- Balzarini, John E., and Shlay, Anne B. (2016). "Gentrification and the Right to the City: Community Conflict and Casinos". *Journal of Urban Affairs*, 38(4), 503-517.
- Braun, Virginia., and Clarke, Victoria. (2006), "Using thematic analysis in psychology", *Qualitative Research in Psychology*, 3, 77-101.
- Brenner, Neil J. A. (2001). "State theory in the political conjuncture: Henri Lefebvre's "Comments on a new state form", *Anipode*, 33(5), 783-808.
- Butler, Chris. (2012). *Henri Lefebvre: Spatial politics, everyday life and the right to the city*. London: Routledge.
- City of Mexico City. (2010). *Mexico City Charter for the Right to the City*. City of Mexico City
- City of Montreal. (2006). *Montreal Charter of Rights and Responsibilities*. Montreal: City of Montreal.
- Davis, Mike. (1990). *City of Quartz: Excavating the Future in Los Angeles*. London: Verso.
- Diaz-Parra, Iban., and Jover, Jorge. (2020). "Overtourism, place alienation and the right to the city: insights from the historic centre of Seville, Spain." *Journal of Sustainable Tourism*, 1-18.
- Ellin, Nan. (1999). *Postmodern Urbanism*. New York: Princeton Architectural Press.
- Fernandes, Edesio. (2007). "Constructing the Right to the City'in Brazil." *Social & legal studies*, 16(2), 201-219.
- Friendly, Abigail. (2013). "The right to the city: theory and practice in Brazil." *Planning Theory & Practice*, 14(2), 158-179.
- Harvey, David. (1999). *The Limits to Capital*. London: Verso.
- Harvey, David. (2008). "The right to the city." *The City Reader*, 6(1), 23-40.
- Harvey, David. (2012). *Rebel cities: From the right to the city to the urban revolution*. London: Verso books.
- Harvey, David. (2014). *Seventeen Contradictions and the End of Capitalism*. London: Profile books.
- Lveson, Kurt. (2013). " Cities within the city: Do-it-yourself urbanism and the right to the city". *International journal of urban and regional research*, 37(3), 941-956.

- Kazemi, Kiarash. and Tofangchi Mahyari, Milad. (2017). "Globalization and Its Impact on the Right to the City." *Urban Management*, 16 (46): 61-70.
- Kitchin, Rob, Cardullo, Paolo, and Di Felicianantonio, Cesare. (2019). *Citizenship, justice, and the right to the smart city*. In The right to the smart city: Emerald Publishing Limited.
- Lefebvre, Henri. (1968). *Le Droit à la ville*. Paris: Éditions Anthropos.
- Lefebvre, Henri. (1991 [1974]). *The production of Space* (D. Nicholson-Smit , 1991, Trans.) In. Oxford: Blackwell.
- Lefebvre, Henri. (1996). *Writings on Cities* (E. Kofman & E. Lebas, Trans.). Cambridge, MA: Blackwell.
- Lefebvre, Henri. (2003 [1990]). *From the social pact to the contract of citizenship*. In E. L. S. Elden, & E. Kofman (Ed ,(.Key writings (238-254). New York: Continuum.
- Kuymulu, Mehmet Barış (2013). "Reclaiming the right to the city: Reflections on the urban uprisings in Turkey." *City*, 17:3, 274-278
- Lefebvre, Henri. (2009). *State, space, world: Selected essays* (N. B. G. Moore, & S. Elden, Trans. N. B. S. Elden Ed.). Minneapolis: University of Minnesota Press.
- Madanipour, Ali. (1996). *Design of urban space: An inquiry into a socio-spatial process*. New York: Wiley Chichester.
- Maguire, Moria., and Delahunt, Brid. (2017). "Doing a Thematic Analysis: A Practical, Step-by-Step Guide for Learning and Teaching Scholars." *AISHE-J*, 8 (3), 3351-3364.
- Marcuse, Peter. (2009). "From critical urban theory to the right to the city." *City*, 13(2-3), 185-197.
- Marcuse, Peter. (2010). "Rights in Cities and the Right to the City?" *Cities for All*, 87-98.
- Mayer, Margit. (2009). "The 'Right to the City' in the context of shifting mottos of urban social movements." *City*, 13(2-3), 362-374.
- Middleton, Jennie. (2018). "The socialities of everyday urban walking and the 'right to the city'." *Urban studies*, 55(2), 296-315.
- Mitchell, Don. (2003). *The right to the city: Social justice and the fight for public space*. New York: Guilford press.
- Pierce, Joseph., Williams, Oilvia R., and Martin, Deborah G. (2016). "Rights in places: An analytical extension of the right to the city." *Geoforum*, 70, 79-88.
- Purcell, Mark. (2002). "Excavating Lefebvre: The right to the city and its urban politics of the inhabitant." *GeoJournal*, 58(2-3), 99-108.

- Purcell, Mark. (2014). "Possible worlds: Henri Lefebvre and the right to the city." *Journal of Urban Affairs*, 36(1), 141-154.
- Shaw, Joe., and Graham, Mark. (2017). "An informational right to the city? Code, content, control, and the urbanization of information." *Antipode*, 49(4), 907-927.
- Shields, Rob. (1999). *Lefebvre, love, and struggle: Spatial dialectics*. London: Psychology Press.
- Simone, AbdouMaliq. (2005). "The right to the city, Intervention." *International Journal of Postcolonial Studies*, 7(3), 321-325.
- Smith, Neil. (1982). "Gentrification and uneven development." *Economic geography*, 58(2), 139-155.
- Smith, Neil. (1996). *The new urban frontier: Gentrification and the revanchist city*. London: Psychology Press.
- Tayebi, Ali. (2013). "Planning activism: using social media to claim marginalized citizens' right to the city." *Cities*, 32, 88-93.
- UN-HABITAT. (2010). *The right to the city: Bridging the urban divide*. Rio de Janeiro: World Urban Forum, United Nations.
- UNESCO. (2006). *International public debates: Urban policies and the right to the city*. Paris: UNESCO
- URL. Retrieved from <http://itiss.ir>
- Van Deusen, Richard. (2002). "Public space design as class warfare: Urban design, the right to the city and the production of Clinton Square." *Syracuse, NY*. 58(2-3), 149-158.